

واکاوی مبانی مشروعیت مالکیت معنوی و سیر تحولات سیاست کیفری در حفظ حریم آن

محمدرسول آهانگران^{۱*}، حمید رضا زند^۲، فاطمه زرگرپور^۳

۱. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد واحد قم

۳. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۶)

چکیده

سیاست کیفری در جلوگیری از نقض حقوق مالکیت معنوی در راستای حفظ آثار فکری، اعم از آثار علمی، ادبی و هنری از به اصطلاح سرقت علمی و ادبی در ایران به طور رسمی از سال ۱۳۰۴ در قانون مخابرات آغاز شده است. قانون‌های این حوزه فراز و نشیب‌های فراوانی را در قبل و بعد از انقلاب طی کرد که در این مقاله، قانون‌ها را از نظر توجه به حمایت کیفری از حقوق صاحبان آثار فکری، بحث و بررسی می‌کنیم. در این پژوهش سعی شده که بررسی قانون‌ها و مقررات در رابطه با ضمانت اجرای کیفری حقوق مالکیت معنوی در دو بخش قانون‌های قبل و بعد از انقلاب بازبینی شود. اما مسئله مهم‌تر از حمایت این حقوق، اعتبار و مشروعیت این نوع مالکیت و مبانی شکل‌گیری آن است و به عبارتی تا زمانی که اعتبار این نظام در فقه و حقوق ثابت نشود، نمی‌توان از جزییات و آثار مترتب بر آن بحث کرد، پس ضروری است که مبانی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی بررسی شود. بنابراین در ادامه بحث، درباره مستندات فقهی بحث می‌شود که مشروعیت این نوع از مالکیت را اثبات می‌کنند. با قبول این فرض که متعلق مالکیت معنوی، مال است، عمده‌ترین مستندات فقها در این زمینه، عبارت خواهند بود از: قاعده لاضرر، حکم عقل، سیره عقلا، ادله مربوط به حرمت مال و عمل مسلمان و قاعده تسلیط.

واژگان کلیدی

تسلیط، سیاست کیفری، سیره عقلا، ضمانت اجرای کیفری، قاعده لاضرر، مالکیت معنوی.

مقدمه

امروزه با عنایت به پیشرفت‌های شایان توجهی که در دنیای فناوری رخ داده است، آثار گوناگونی وارد عرصه‌های مختلف اجتماعی شده‌اند. از این رو صاحبان آثار فکری، شاید از جمله اقشاری باشند که بیشتر نیازمند حمایت‌های قانونی هستند. دولت به عنوان حافظ نظم عمومی و تأمین امنیت در جامعه سعی کرده است با توسل به دستگاه قانونگذاری و قضایی، به دارندگان آثار فکری اطمینان بدهد که حرمت آثار فکری ایشان، چه از نظر مادی و چه از لحاظ اخلاقی حفظ می‌شود. در واقع مقنن در این زمینه تلاش کرده است که سیاست کیفری جامعی را، مشتمل بر وضع قانون‌ها در زمینه تعیین جرایم و نوع پاسخ‌های موجود و حدود اختیارات نهادی کیفری و اجرایی پایه ریزی کند تا از نقض حقوق مالکیت معنوی (کپی‌رایت) جلوگیری شود. کپی‌رایت حقی است که به موجب آن به پدید آورنده اثر علمی و ادبی اجازه داده می‌شود که نسبت به انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش (با پشتوانه حمایتی که از سوی قانونگذار نسبت به او صورت می‌گیرد)، مبادرت ورزد. این حمایت در قلمرو آثار ادبی و دیگر آثار فکری خاص صورت می‌گیرد و شامل هر دو دسته آثار چاپ‌شده و چاپ‌نشده است.

۱. ضمانت اجرای کیفری در قانون‌های قبل از انقلاب

۱.۱. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ است که در سال ۱۳۱۰، قانونگذار برای اولین بار با الهام گرفتن از قانون مجازات عمومی ۱۸۱۰ فرانسه هم در صدد اصلاح قانون مصوب سال ۱۳۰۴ بر آمد و هم اراده کرد تا در حوزه حمایت از آثار فکری قدمی بردارد و ضمانت اجرایی در مقابله با تقلب و تضییع حقوق صاحبان آثار فکری در نظر بگیرد.

پس در ذیل مبحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت قانون مخابرات، مقرراتی را طی مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ در موضوع حمایت کیفری از کپی‌رایت به تصویب رساند و به قانون

مجازات عمومی اضافه کرد تا از اعمالی مثل چاپ، تألیف یا تصنیف دیگری بدون اجازه، اقتباس غیر مجاز و فروش غیر قانونی تألیف دیگران جلوگیری کند. قانونگذار در اولین رویکرد انقلابی خویش در مبارزه با نقض کپی‌رایت، نه تنها به جرم‌انگاری استفاده‌های جزئی از آثار ادبی دیگران در نوشته‌های شخصی و چاپ و تألیف یا تصنیف دیگران پرداخت، بلکه به اقدامات غیر قانونی چاپخانه‌ها در چاپ بدون اجازه آثار دیگران و فروشندگان چنین آثار چاپ شده بدون مجوزی، نیز به عنوان مباشران اصلی جرم اشاره کرد. با وجود این، قانونگذار در تعیین ضمانت اجرا، نرمش خوبی از خود نشان داد و با درایت خاصی که در شناخت جنس چنین جرایمی داشت، به جزای نقدی پرداخت. از این رو برای مرتکبان چاپ تألیف یا تصنیف، به جزای نقدی از ۵۰ تا ۵۰۰ تومان، برای اقتباس غیرمجاز، حداقل مجازات در ماده ۲۴۵ قانون مذکور (۵۰ تومان)، برای فروش غیر قانونی تألیف دیگران، جزای نقدی از ۲۵ تا ۲۰۰ تومان و برای چاپ غیر قانونی تألیف دیگران، جزای از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان را تعیین کرد.

چنانکه در این قانون به عنوان اولین تلاش در حمایت از کپی‌رایت مد نظر قانونگذار قرار گرفت، خنثی کردن زمینه‌های مجرمانه در مجرمان احتمال بوده است، زیرا قانونگذار به خوبی درک کرده که جرایم مالکیت علمی، ادبی و هنری علیه اموال و دارای ریشه‌های مالی است. به همین لحاظ قانونگذار با استفاده از جزای نقدی به خوبی درایت خود را در مقابله با نسخه برداری غیر مجاز نشان داده است. به نظر می‌رسد قانونگذار با چنین مجازات‌هایی، علاوه بر پیشگیری فردی، به پیشگیری جمعی دست زده است. قانونگذار با تهدید مجرمان احتمالی به جزای نقدی، ریشه‌های جرم را هدف قرار داده، چراکه با این عملکرد معادله منفعت ناشی از ارتکاب جرم را به ضرر مجرم منتهی کرده است. اگر چه سیاست کیفری اتخاذ شده نتوانست اقدامات مؤثری در کاهش نقض کپی‌رایت صورت دهد، به عنوان اولین تلاش در سال‌هایی که جامعه هنوز خطر چندانی را از کپی‌برداری غیرمجاز آثار دیگران احساس نکرده بود، جای تقدیر دارد.

۲.۱. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱

قانونگذار برای اولین مرتبه با تدوین و تصویب این قانون، به صورت تخصصی به اتخاذ سیاست کیفری ویژه‌ای در زمینه حمایت از حقوق مالکان آثار فکری، روی آورد. قانونگذار در فصل چهارم این قانون به جرم‌انگاری موارد نقض کپی‌رایت پرداخته است، تا اعمالی عنوان مجرمانه داشته و دارای ضمانت اجرای کیفری باشد که عبارتند از:

الف) استفاده از عنوان، نام و نشانه ویژه مصرف اثر برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن، به ترتیبی که القای شبهه نماید (ماده ۱۷)؛

ب) عدم اعلام و درج نام پدیدآورنده با عنوان و نشانه ویژه هدف اثر از سوی انتقال گیرنده، ناشر و کلیه کسانی که اجازه قانونی دارند (ماده ۱۸)؛

ج) تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت و نشر آنها بدون اجازه پدیدآورنده (ماده ۱۹)؛

د) نشر، پخش، ضبط و تکثیر آثار مورد حمایت این قانون از سوی چاپخانه‌ها، بنگاه‌های ضبط صوت، کارگاه‌ها و اشخاص، بدون رعایت یا کوتاهی در اجرای ضوابط مربوط به درج شماره دفعات چاپ، تعدد نسخ کتاب، ضبط، پخش، انتشار، درج مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا به تمام نسخه‌ها با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوطه (ماده ۲۰)؛

ه) نشر، پخش و عرضه تمام یا قسمتی از آثار مورد حمایت این قانون که متعلق به دیگران است، به نام خود یا شخص دیگر غیر از پدیدآورنده و یا به نام پدیدآورنده، ولی بدون اجازه وی (ماده ۲۳) و

و) چاپ، پخش و نشر ترجمه دیگری، به نام خود یا دیگری (ماده ۲۴).

قانونگذار در این قانون بر خلاف قانون سابق، با رویکرد متفاوتی برخورد کرده است. مقنن بر خلاف ضمانت اجرای نقدی در قانون سابق، این مرتبه در تعیین ضمانت اجرای

کیفری، عمدتاً حبس محور بوده است که حسب مورد با توجه به نوع نقض، میزان آن متفاوت است.

صرف نظر از این اشکالها، قانونگذار در این قانون به رفع یک خلأ قانونی پرداخت. قانونگذار در ذیل ماده ۲۸ این قانون، با اشاره به مسئولیت اشخاص حقوقی، نقطه عطفی برای حمایت هر چه بیشتر از مالکان آثار ادبی قرار داد، چرا که بیشتر موارد نقض حقوق مالکیت علمی، ادبی و هنری از سوی مؤسسات و اشخاص حقوقی صورت می‌گیرد. قانون به صراحت تکلیف این را مشخص کرده است که چه کسی باید مسئولیت جرایم ناشی از اشخاص حقوقی را متحمل شود. قانونگذار با این اقدام از تشتت آرا جلوگیری کرده است و به نظرات مختلفی که در رابطه با مسئولیت اشخاص حقوقی در زمینه جرایم ارتكابی از سوی آنان وجود دارد، نقطه پایانی نهاد.

یکی دیگر از نوآوری‌های این قانون، انتشار آگهی مفاد حکم نهایی صادر شده از دادگاه است که بنا به درخواست شاکی خصوصی در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه شاکی خصوصی امکان چاپ دارد.

به نظر می‌رسد که این امکان به پیشگیری عمومی (به لحاظ ارباب انگیزی عمومی) کمک شایانی کند. ضمن اینکه در مورد آثار توزیع شده غیرمجاز، این امکان وجود دارد که ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی، نسبت به ضبط آن از طریق دستور به ضابطان دادگستری اقدام شود. البته مستند به ماده ۳۱ همین قانون، تعقیب تمامی جرایم موضوع این قانون، بسته به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او، تعقیب یا اجرای حکم متوقف می‌شود.

۳.۱. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶)

سکوت و ابهاماتی که در قانون‌های قبل از انقلاب در حوزه قانون‌های آثار صوتی و ترجمه وجود داشت، قانونگذار را بر آن داشت تا برای این خلأ قانونی چاره‌ای بیندیشد. قانونگذار با توجه به اینکه ترجمه یک اثر از زبانی به زبان دیگر از برخی جنبه‌ها، آسان‌تر از خلق اثر

جدید نیست و ترجمه یک اثر ادبی و هنری به زبان‌های دیگر به لحاظ ارزشی که در زبان مبدأ برای آن لحاظ شده است، در برخی موارد از چنان استقبالی در زبان مقصد برخوردار می‌شود که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، قانونی را به حمایت از آثار ترجمه شده اختصاص داد و در ذیل آن تکثیر یا تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش ترجمه بدون مجوز، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکل چاپ شده به قصد فروش یا بهره برداری مادی، نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان و وارد یا صادر کردن آثار صوتی نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر شده بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان را ممنوع اعلام کرد (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۶۷).

قانونگذار در این قانون در رابطه با تعیین ضمانت اجرای کیفری بیشتر حبس محور است و در تمامی این موارد مجازات حبس از سه ماه تا یک سال را در نظر گرفته است (ماده ۷). صرف نظر از اینکه همه جرایم مذکور با تصویب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، شاید به جزای نقدی تبدیل شود، مقنن در این قانون به مجازات حبس روی آورده است. با توجه به تاریخ تصویب این قانون و فاصله زمانی آن با قانون وصول، که با هدف پرهیز از صدور حبس کوتاه مدت تصویب شده است، تنها می‌توان با برخورداری از رویه قضایی واحد، نسبت به برخورد با چنین جرایمی امیدوار بود که قضات از این مقرر به نحوی بهره‌برداری کنند که حداقل نسبت به چنین جرایمی سیاست کیفری قانونگذار ۱۳۱۰ تأمین شود، ضمن آنکه میزان مجازات، علاوه بر خسارات وارده به شاکی خصوصی است (صالحی، ۱۳۸۸: ۲۴).

۲. ضمانت اجرای کیفری در قانون‌های بعد از انقلاب

۱.۲. قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸) و اصلاحی مصوب ۱۳۷۹

قانونگذار در این قانون انتساب اثر دیگری را به خود جرم تلقی کرده است، در حالی که این اقدام خود اشکالاتی دارد، چراکه این عمل از مصادیق قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان است و باید قانون مذکور صرف نظر از ابزار و محیط جرم که

اختصاصاً در مطبوعات است، مستند حکم قرار گیرد. درستی استناد به این جرم و تلقی جرم‌انگاری آن زمانی صحت پیدا می‌کند که به تبصره سه ماده پنج توجه کنیم. قانونگذار در این تبصره به شمول قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در رابطه با آثار به نام پدیدآورنده یا نشریه اشاره کرد.

از جمله ایرادهایی که می‌توان به قانون مطبوعات وارد کرد، تبصره یک ماده شش است که در تعریف اعمالی که نقض کپی‌رایت محسوب می‌شوند، از اصطلاح «سرقت ادبی» استفاده کرده است، صرف نظر از اینکه دو قانون مصوب ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ در زمینه محیط جرم اطلاق دارند و شامل روزنامه هم می‌شوند. از این رو روشن است که قانونگذار بدون توجه به سابقه تقنینی در زمینه جرایم علیه کپی‌رایت و لحاظ قرار دادن مصادیق جرایم علیه آثار فکری، در ذکر عنوان «سرقت ادبی» در جهت پوشش جرایم علیه آثار فکری در بند دهم ماده شش قانون مطبوعات به خطا رفته است. در ماده مذکور به دو شکل از شکل‌های نقض کپی‌رایت اشاره شده است.

۱. نوع اول اینکه شخصی تمام یا قسمتی از یک اثر ادبی و هنری را به همان زبان تألیف شده، مورد سوء استفاده قرار دهد و منتسب به خود اعلام کند و
 ۲. نوع دوم اینکه شخص تمام یا قسمتی از یک اثر ادبی را به صورت ترجمه به زبان دیگر، به خود انتساب دهد. به عبارت دیگر اینکه شخص مطلبی را از یک زبان به زبان دیگری ترجمه کند، سپس این ترجمه را به عنوان ایده و فکر خویش اعلام کند، درحالی که متن اصلی متعلق به غیر و اقدام فرد اخیر فقط در حد ترجمه است.
- اشکالی که در تعیین نوع ضمانت اجرا در این قانون به چشم می‌خورد، این است که قانونگذار در تعیین مجازات تبصره دو ماده شش این قانون به مجازات مقرر در ماده ۶۹۸ ق ۱۰۲۰ ارجاع داده است و در صورت تکرار، مرتکب را مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه مطبوعاتی دانسته است. البته اشکال جدی دیگری که در ماده ۶۹۸ می‌توان یافت، این است که محتوای ماده که به اظهار اکاذیب به قصد اضرار به غیر اشاره دارد، ماهیتاً

متفاوت از استفاده غیر مجاز از آثار فکری دیگران است. در اعمال ناقض حقوق مالکیت مزبور (کپی‌رایت) آنچه که اعلام می‌شود، چه بسا عین حقیقت علمی یا نسخه دیگر آن است و تنها دروغ آن، استناد چنین مطلبی به مجرم است. به بیان دیگر در عمل مصرحه در ماده ۶۶۸، مجرم یک سری مطالب را اعلام می‌کند که غیر واقعی و خودساخته است و به دروغ به دیگری استناد می‌دهد، در حالی که در جرم علیه حقوق ادبی و هنری آن چیزی که اعلام می‌شود، متعلق به بزه دیده است و مجرم آن را به جای اینکه به صاحب اصلی استناد دهد یا متمسک به مجوز قانونی شود، به دروغ به خود مستند می‌کند.

۲.۲. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری، آثاری را در حوزه

کپی‌رایت پدید آورده‌اند که در برخی موارد با پخش در رادیو و تلویزیون یا در دسترس عموم قرار گرفتن برای استفاده‌های شخصی، حق مؤلف یا حقوق اجراکنندگان نقض می‌شود. به همین لحاظ حمایت از این دسته حقوق توسط قانونگذار مورد توجه قرار گرفته است. قانون نحوه مجازات اشخاصی را که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند، اعلام و فعالیت در آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز و تولید، تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل را ممنوع کرده است.

جدا از فعالیت در قلمرو آثار مستهجن و مبتذل، چیزی که شاید نزدیک به مفهوم

کپی‌رایت باشد، ماده یک این قانون است که به دو مسئله می‌پردازد:

۱. جلوگیری از عرضه آثار غیر مجاز به جای آثار مجاز؛

۲. جلوگیری از تزییع حقوق صاحبان اثر؛

اگر چه قانونگذار در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، به حمایت از آثار سمعی و بصری پرداخته بود، ولی به نظر می‌رسد قانونگذار در این قانون، علاوه بر پوشش حقوق مالکیت ادبی و هنری آثار سمعی و بصری، به دنبال ایجاد نظام نظارتی بیشتر در خصوص این قبیل آثار است. چرا که در ادامه (ماده دو این قانون)، هر گونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری را

مشروط به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌کند و برای افرادی که بدون مجوز به فعالیت در این عرصه دست می‌زنند، ضمانت اجرایی کیفری در نظر می‌گیرد. البته عنوان مجرمانه موضوع ماده اخیر با عنوان مجرمانه ماده یک متفاوت است. ممکن است شخصی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد، دارای مجوز باشد ولی به عرضه آثار غیر مجاز بپردازد. همان طور که شاید شخصی دارای مجوز از سوی وزارت ارشاد نباشد، ولی آثار مجاز را ارائه دهد.

در مورد فعالیت تجاری غیر مجاز در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری مستهجن و مبتذل، شاید تا حدی جرم‌انگاری جدید قابل توجیه باشد، اما این مسئله در زمینه تجاوز علیه آثار سمعی و بصری عادی، با توجه به سابقه تقنینی تا حدودی غیر منطقی است، مگر آنکه استفاده خانگی یا در اماکن عمومی مثل ایستگاه قطار، داخل اتوبوس‌ها و ... از این آثار سمعی و بصری که به صورت غیرمجاز تکثیر و توزیع شده‌اند، منظور قانونگذار باشد، که چنین برداشتی از ماده یک و دو این قانون به دست نمی‌آید. در واقع قانونگذار در این ماده بیشتر به جنبه عمومی و حقوق نظارتی ارگان خاصی نظر داشته است، تا این ارگان نسبت به چگونگی و تعداد تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری نظارت و کنترل داشته باشد، نه اینکه نسبت به اتفاق‌هایی که پس از این مرحله برای آثار سمعی و بصری مجاز می‌افتد (تکثیر از روی اثر مجاز، اما بدون اجازه و پرداخت حقوق قانونی صاحب اثر) نظر داشته باشد.

نکته دیگر اینکه با توجه به ماهیت و فلسفه جرم‌انگاری این دسته از جرایم، به عنوان پاسخی به التهاب شیوع آثار فرهنگی غربی مستهجن و ممنوعیت استفاده از تجهیزات ویدئو دربره‌ای از زمان، در بادی امر به نظر می‌رسد اقدام قانونگذار در گنجانیدن فعالیت غیر مجاز در عرصه آثار سمعی و بصری عادی ضروری نباشد. اما با توجه به تصریح شرط پخش و اجرای اثر برای نخستین بار در کشور ذیل ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مانعی در جهت حمایت از آثار سمعی و بصری خارجی (که سابقه

پنخس و اجرای آن در خارج از کشور است) وجود داشت که از این حیث، اقدام قانونگذار قابل توجیه است، چرا که آثار سمعی و بصری خارجی که در کشور تکثیر و توزیع می‌شوند، به لحاظ مفقود بودن این شرط در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حمایت پذیر نبودند و حمایت از آثار سمعی و بصری در قانون سابق، محدود به تولیدهای داخلی است. قانون موصوف در رابطه با گذشت پذیر یا گذشت ناپذیر بودن فعالیت غیر مجاز در امور سمعی و بصری تصریح دارد. با توجه به اصل گذشت ناپذیر بودن جرایم، به نظر می‌رسد که این جرایم ولو بدون شکایت شاکی خصوصی، امکان پیگرد دارند که این نظریه با توجیهی که در رابطه با حمایت قانونگذار از بعد حقوق عمومی چنین آثاری به لحاظ جنبه نظارتی ارگان خاص در تولید، تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری ارائه دادیم، تقویت می‌شود. از سوی دیگر با توجه به تصویب این قانون، به نظر می‌رسد که قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در قسمت حمایت از آثار سمعی و بصری نسخ شده است. ضمن اینکه رویه قضایی در رسیدگی به جرایم کپی برداری غیر مجاز از آثار سمعی و بصری، این قانون را ملاک عمل خویش قرار داده است؛

۳.۲. قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴)؛

بر اساس ماده ۱۳ این قانون: «هر کس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض نماید، علاوه بر میزان خسارت، به حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شود». در ضمن در تبصره همین ماده آمده است که خسارت شاکی خصوصی، از اموال شخص مرتکب جرم جبران می‌شود.

چنانکه می‌بینیم، این حسن را دارد که برای مجازات ناقضان حقوق مؤلفان و صاحبان آثار، حداقل و حداکثری قرار داده است تا قاضی رسیدگی کننده با عنایت به شدت و ضعف صدمه و لطمه وارد شده، مجازات را مقرر کند و این عیب نیز وجود دارد که برای تمامی ناقضان و متخلفان، ضمانت اجرای کیفری مقرر شده است که خود سبب اولاً بالا

رفتن زندانیان موضوعات مورد نظر می‌شود و ثانیاً برخورد با متخلفان تنها راهش مجازات نیست، پس چنین برخوردی غیر منطقی و گاهی نیز ناعادلانه است (هنرمند، ۱۳۸۸: ۱۸۳). قانونگذار در ماده ۱۳ این قانون به صورت همزمان دو ضمانت اجرای کیفری را در نظر گرفته است. با توجه به قید «و» قاضی مکلف است در حکم، هر دو مجازات را لحاظ کند. اگرچه ضمانت اجرای کیفری تعیین شده، دارای حداقل و حداکثری است که قاضی می‌تواند با توجه به شدت و ضعف عمل ناقض حق، از حداقل و حداکثر تعیین شده در جهت احقاق حق بهتر و رعایت عدالت استفاده کند، به نظر می‌رسد ضمانت اجرای کیفری حبس و جزای نقدی توأمان شدید باشد. علاوه بر اینکه مجازات‌های کیفری نافی طرق جبران مدنی نیست و بسته به مورد، دادگاه شاید هر دو نوع طریق جبران (کیفری و مدنی) را در مورد اشخاص ناقض حقوق مالکیت ادبی و هنری اعمال کند. با توجه به تبصره ذیل ماده ۱۳، خسارت‌های شاکی خصوصی از اموال شخص مرتکب جرم جبران می‌شود.

ماده ۱۴ این قانون امکان انتشار حکم صادره در یکی از روزنامه‌ها را به انتخاب و هزینه شاکی خصوصی و در راستای اعلام عمومی حقانیت شاکی و البته پیشگیری از وقوع موارد مشابه، مجاز دانسته است. با وجود این همه سختگیری قانونگذار، این جرم از جمله جرایم قابل گذشت محسوب می‌شود. لازم است که هر تعقیبی با شکایت شاکی به جریان بیفتد و با گذشت او متوقف شود (طارم سری، ۱۳۸۲) ضمن اینکه هر گونه حمایتی موقوف بر تولید و توزیع موضوع حمایت برابر ماده یک این قانون برای اولین بار در ایران است که این رویکرد دارای همان اشکالی است که در گذشته درباره آن بحث شد؛

۴.۲. قانون تجارت الکترونیک (مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷)

با توجه به ویژگی آسانی انتقال داده‌ها در محیط مجازی، امن سازی شبکه‌ها و استفاده از روش‌های مطمئن و جلوگیری از سوء استفاده از آثار ادبی و هنری و نسخه‌برداری آن در محیط اینترنت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تولیدکنندگان این آثار است. این نسخه‌برداری زمانی صورت می‌گیرد که اثر مورد نظر در حافظه رایانه یا سایر وسایل الکترونیکی ذخیره

می‌شود. بدیهی است زمانی که از یک فایل، لوح فشرده یا پایگاه داده حاوی مطالب و ... به طور غیرمجاز کپی برداری (دانلود) می‌شود، به دارنده این آثار ضرر و لطمات زیادی وارد خواهد شد که باید از او حمایت شود.

تا پیش از تصویب قانون تجارت الکترونیکی، حمایت از کپی‌رایت در محیط الکترونیکی در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. تنها به کپی‌رایت نرم‌افزار در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای توجه شده و به سایر جنبه‌های کپی‌رایت در محیط الکترونیکی اشاره‌ای نشده بود. قانون تجارت الکترونیکی نخستین قانونی است که در نظام حقوقی ایران، به حمایت از کپی‌رایت در محیط‌های الکترونیکی پرداخت. در مبحث چهارم این قانون، طی ماده ۷۴ به نقض حقوق مؤلف اشاره شده و ضمانت اجرای آن حبس و جزای نقدی توأمان تعیین شده است.

یکی از ایرادهای قانون مذکور این است که در آن، بر خلاف سایر قانون‌ها به جبران خسارت‌ها هیچ اشاره‌ای نشده است. ایراد دیگر اینکه در ماده مذکور، حقوق مورد حمایت دو سه قانون مزبور را به عبارت: «...منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود ...» مقید کرده است. به این معنا که حقوق مندرج در قانون‌های مزبور در صورتی در بستر الکترونیکی از حمایت قانون برخوردار می‌شوند که مجلس شورای اسلامی آنها را مجاز بشمارد. از این رو مجلس شورای اسلامی در هر مورد باید تعیین کند که کدام حق از حقوق مؤلف، مجاز شناخته می‌شود یا نمی‌شود، در حالی که با تصویب سه قانون فوق الذکر، مجاز بودن این حقوق ابراز شده و افزودن قید اشاره شده، موجب شبهه می‌شود. اگرچه در قسمت دیگری از این عبارت، فضای دیگری را بیان کرده است (رهبر، ۱۳۸۴: ۷ و ۳۲۵).

بنابراین آثاری از حمایت قانون برخوردار است که حاوی مسائل خلاف قانون نباشند که به نظر می‌رسد چنین برداشتی صحیح نباشد، چراکه این مسئله از بدیهیات حقوق کیفری است که بنای عملیات قانون بر این قرار گرفته است و از آثار دارای احترام حمایت شود.

اما یکی از اشکال‌های دیگری که می‌توان به وضوح در قانون ملاحظه کرد، این است که در وضع مجازات اسلامی نیز قانون مقدم است و اشاره‌ای نیز در قانون تجارت الکترونیکی به آن نشده است؛ به نظر می‌رسد که جرم‌های یادشده در این قانون گذشت ناپذیرند. این درحالی است که نقض علیه حقوق مالکیت علمی، ادبی و هنری از جمله جرایمی محسوب می‌شود که دارای جنبه خصوصی است و گذشت‌ناپذیر بودن آن، عدم انعطافی است که وجود چنین برخوردی ضروری نیست.

۵.۲. قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸)

افراد در فضای مجازی (فضایی که اجزای تشکیل دهنده آن، سیگنال‌های الکتریکی و الکترومغناطیسی است) از طریق رایانه و وسایل مخابراتی به صورت زنده و مستقیم، صرف نظر از جغرافیای فیزیکی، با یکدیگر ارتباط دارند. این فضا صرف نظر از کارکردهای مثبت در زندگی اجتماعی، شاید عرصه جدیدی برای فعالیت‌های غیر مجاز باشد که با منافع ملی، مصالح اجتماعی، موازین مذهبی و اخلاقی مغایرت دارد.

طبیعی است با دیجیتالی شدن تجهیزات فیلم برداری و گسترش استفاده از تلفن‌های همراه مجهز به دوربین، امکان تهیه و تولید فیلم یا عکس از افراد، برای انتشار در فضای مجازی یا ابزار تهدید برای ارتباط جنسی یا اخاذی آسان است. قانونگذار برای مبارزه با این پدیده شایع انتشار تصاویر مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایت‌های رایانه‌ای یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر (ماده ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در اموال سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند) را مد نظر قرار داد. اما سیاق قانون مذکور فقط «انتشار» آثار مستهجن و مبتذل را در بر می‌گرفت که جامع نبود.

پس قانونگذار در قانون جرایم رایانه‌ای، فرایند مبارزه با این جرایم را تکمیل کرد. قانونگذار در این قانون، علاوه بر اینکه تولید، ذخیره و نگهداری محتویات مستهجن را به قصد ارسال، انتشار یا تجارت و همین‌طور توزیع و معامله آن را به وسیله سامانه‌های رایانه یا مخابراتی یا حامل‌های داده ممنوع کرده است (ماده ۱۴) افشا یا در دسترس دیگری

قرار دادن «صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری،...» (ماده ۱۶) و تغییر، تحریف و انتشار «فیلم یا تصویر دیگری،...» (ماده ۱۶) را نیز جرم تلقی کرده است.

همچنین در قانون موصوف، شنود غیر مجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سیستم‌های رایانه‌ای، مخابراتی، امواج الکترومغناطیسی یا نوری (ماده ۲) و دسترسی غیر مجاز به داده‌ها، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است (ماده ۱) و شنود محتوای ارتباطات رایانه‌ای را، مگر در موارد مربوط به امنیت کشور و با دستور مستقیم نظام قضایی ممنوع کرده است (ماده ۴۵) و حکم آن را همان حکم شنود تلفنی قرار داده است (ماده ۴۸).

۳. بررسی مستندات فقهی مالکیت معنوی

الف) قاعده لاضرر

روایات فراوانی در آثار حدیثی شیعه و سنی با این مضمون نقل شده است که «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»، از جمله کتب شیعی می‌توان به الکافی، ج ۵، باب الضرار و باب الشفعه و وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب احیاء موات اشاره کرد. در مورد این حدیث ادعای تواتر شده، پس سخن در مورد سند آن ضروری نیست. گرچه برخی اسنادی که موجود است ضعیف هستند، ولی سند برخی دیگر صحیح شناسایی شده است. در همین زمینه برخی از فقها (حسینی، ۱۴۱۴: ۲۸) تأکید می‌کنند که با اینکه اسناد ضعیف در این زمینه داریم، عمل اصحاب به این حدیث که تبدیل به یکی از مشهورترین قواعد فقهی شده است، ضعف سند را جبران می‌کند. بنابراین کاربرد این قاعده در بیشتر ابواب فقهی اعم از عبادات و معاملات دیده شده است و به منزله کبرای کلیه‌ای است که موارد عدیده‌ای بر آن منطبق می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۱۱ و ۲۱۳ / مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۸)

آنچه مشهور فقها در مورد مفاد این قاعده ذکر کرده‌اند، بیانگر این نکته است که اگر از ناحیه احکام مجعول توسط شارع ضرری متوجه حق یا مال یا آبرو یا نفس یا ... شخصی شود، آن حکم برای آن شخص برداشته می‌شود و به عبارتی رفع تشریحی رخ می‌دهد و این به معنای رفع کامل حکم شرعی نیست، بلکه ضرر که عنوانی ثانویه است، موجب رفع موقت حکم اولیه شده است و با از بین رفتن ضرر، خود به خود، حکم اولیه جایگزین آن خواهد شد. از همین رو، اکثر فقها با استناد به باب حکومت، قاعده لاضرر را حاکم بر عموماً و اطلاعات ادله اولیه می‌دانند.

با توجه به توضیحاتی که در باب قاعده لاضرر ارائه شد، آیا می‌توان از این قاعده برای اعتبار و مشروعیت مالکیت معنوی استفاده کرد؟

پرسش فوق به این دلیل شکل گرفته است که در صورت عدم اعتبار و مشروعیت مالکیت معنوی، ضررهایی مادی و معنوی ایجاد می‌شود و موضوع قاعده لاضرر هم دفع ضرر است. از جمله این ضررها اینکه اولاً اگر حقوق مادی مبتکر توسط شارع به رسمیت شناخته نشود، مؤلف، مبتکر و مخترع متحمل ضررهای مادی می‌شوند و چه بسا تنها راه امرار معاش برخی مبتکران و مؤلفان از راه سود مادی آثارشان باشد. در این صورت نادیده گرفتن سود مادی این آثار و عدم حمایت از آنها با تکثیر توسط دیگران، ضرر بزرگی بر صاحبان آثار فکری وارد می‌کند؛ ثانیاً اگر این ضررها ترویج یابد، ممکن است سبب رکود علم و هنر شود و دیگر کسی دست به ابتکار و تألیف نزند؛ ثالثاً در سطح کلان هم ممکن است به جامعه‌ای که مؤلف و مبتکر در آن زندگی می‌کنند، ضرر وارد شود، چون بخشی از درآمد اقتصادی آن جامعه، از راه چاپ و تکثیر و فروش این آثار به دست می‌آید و وقتی کسی هدف و انگیزه‌ای برای تألیف و اختراع نداشته باشد، بی تردید کتاب یا اثری وجود نخواهد داشت تا تکثیر شود و به فروش برسد؛ رابعاً این ضرر ممکن است جامعه را با پدیده فرار مغزها مواجه کند، زیرا زمانی که مبتکر یا مؤلف در جامعه مبدأ هیچ گونه حمایتی برای آثار خود دریافت نکند، بدون تردید از آن جامعه خارج می‌شود و به سراغ

جامعه‌ای خواهد رفت که این حقوق را به رسمیت بشناسد و از آن حمایت کند و به این ترتیب جامعه مبدأ بخشی از ثروت‌های فکری خود را از دست خواهد داد (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۴۰۳ / شفایی، ۱۳۸۲: ۷۹).

پس با وجود این ضررها و حتی ضررهای بزرگ‌تر، باید در شرع به دنبال راهی بود تا از پیدایش آنها جلوگیری کند. این راه در شریعت مقدس اسلام قاعده لاضرر است. با استناد به این قاعده می‌توان حکم به مشروعیت حقوق مالکیت معنوی داد و برای آن اعتبار فرض کرد. البته این قاعده در جایی کاربرد دارد که ضرری در حکمی شرعی وجود داشته باشد و بخواهیم ضرر را دفع کنیم، پس مسئله جدی در این زمینه، اختلاف نظر فقها در مورد احکام عدمی است که آیا این دسته از احکام هم از جمله احکام مجعول شارع هستند تا بتوان آنها را موضوع قاعده لاضرر قرار داد؟ زیرا همان طور که گذشت، این حقوق در شرع به رسمیت شناخته نشده‌اند، بنابراین شرع حکمی در مورد آنها صادر نکرده و در این زمینه عدم حکم داریم. قاعده لاضرر هم به دنبال از بین بردن ضرر مستند به حکم شرعی است، اگر عدم حکم به منزله یک حکم شرعی باشد، شاید جاری مجرای قاعده لاضرر قرار بگیرد، اما اگر عدم حکم به منزله حکم شرعی نباشد، جاری مجرای قاعده فوق قرار نمی‌گیرد.

در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد. بزرگانی همچون میرزای نائینی (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸: ج ۳، ۴۱۸ و ۴۲۰) معتقدند که احکام عدمی از جمله احکام مجعول توسط شارع نیست، یعنی در حوزه احکام شریعت، احکام عدمی جایگاهی ندارند و نمی‌توان آنها را به شارع نسبت داد و اگر در مورد موضوعی، حکمی از سوی شارع صادر نشده بود و از عدم آن حکم ضرری هم حاصل می‌شد، مجتهد نمی‌تواند بگوید چون حکم ضرر دارد، پس فلان حکم باید وضع شود، تشریح احکام تنها و تنها به دست شارع است.

اما در مقابل دیدگاه دیگری وجود دارد که قاعده لاضرر را حتی در مورد احکام عدمی حاکم بر ادله اولیه می‌داند. دیدگاه مذکور بیان می‌کند که در حوزه شریعت، فرقی میان امور

وجودی و عدمی نیست، حکم عدمی هم مثل حکم وجودی است، یعنی حکم عدمی هم مانند حکم وجودی، احتیاج به جعل شارع دارد. احکام شرعی همه وجودی‌اند، برخی نیاز به بیان شارع دارند، اما برخی دیگر از عدم بیان شارع کشف می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱: ۸۵-۸۶).

پس وضع و رفع احکام به دست شارع است، اگر از وضع حکمی توسط او، ضرری پدید آید، قاعده لاضرر، حکم ضرری را نفی می‌کند، در مقابل هم اگر از رفع شارع، ضرری حاصل شود، واجب است که با قاعده لاضرر، حکم برقرار شود تا ضرر ناشی از نبودن آن برطرف شود. پس قاعده لاضرر توانایی جعل حکم را (برخلاف دیدگاه قبلی) دارد.

با نگاه دقیقی می‌توان دریافت که قاعده لاضرر به این حقوق مشروعیت نمی‌بخشد، زیرا قاعده لاضرر تنها اثبات می‌کند که شارع حکم ضرری را بر می‌دارد، یعنی هر جا منشأ ضرر، حکمی از احکام اسلام باشد، قاعده آن را نفی می‌کند. مثلاً وضو برای شخص مریض؛ آنچه سبب ضرر مکلف می‌شود، وضویی است که خداوند آن را واجب کرده است که قاعده لاضرر این وجوب را بر می‌دارد اما حق ابتکار و امثال آن را، شارع لازم‌المراعات قرار نداده است و منشأ ضرر، حکم شرع نیست، بلکه شخصی می‌خواهد به نفعی برسد و عدم رعایت این حقوق، منفعت شخصی فرد را به مخاطره می‌اندازد. پس این مسئله جاری مجرای قاعده لاضرر نیست. اگر شارع به عدم رعایت حق تألیف و حق ابتکار حکم می‌کرد و از این نظر ضرری وارد می‌شد، قاعده آن را نفی می‌کرد، در صورتی که شارع مقدس حکمی نداده است و منشأ ضرر حکم شرع نیست، بلکه منشأ ضرر انگیزه‌های شخصی است.

اگر مفاد قاعده چنین بود که شارع کاری می‌کند که هیچ کس ضرر نبیند، این مسئله هم تحت قاعده قرار می‌گرفت، ولی مفاد قاعده چنین است که «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام»؛ قید فی‌الاسلام تأکید می‌کند که در دین حکم ضرری قرار نداده است، پس قاعده به بحث

مذکور ربطی ندارد و ثابت نمی‌کند که شریعت باید حکم اباحه را بردارد، چون حکم اباحه منشأ ضرر نیست، هر چند جلوی ضرر را هم نمی‌گیرد بلکه منشأ ضرر، انگیزه‌های شخصی است پس بحث قاعده لاضرر نسبت به بحث مذکور اجنبی است و برای اثبات مدعا کافی نیست.

البته در این زمینه، برخی حقوقدانان (میرقاسم جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۹۱) هم اشکالاتی را در استفاده از قاعده لاضرر مطرح کرده‌اند؛ از قبیل اینکه قاعده لاضرر تنها آثاری فکری را شامل می‌شود که عدم شناسایی حق برای صاحبان آنها، مستلزم ضرر باشد. اگر آثاری هم باشند که با عدم شناسایی حق برای صاحبان آنها، ضرری حاصل نشود، دیگر قاعده لاضرر در این زمینه کارساز نیست و از طرفی ضرر امری بسیط است و معیار خوبی محسوب نمی‌شود، زیرا هم اثبات این معیار دشوار است و هم اینکه بسته به انواع مصادیق مالکیت معنوی، تغییر پذیر و در معرض زوال است.

ب) حکم عقل

حکم عقل عملی را در زمینه اثبات مشروعیت مالکیت معنوی می‌توان به این ترتیب بیان کرد که:

قاعده حفظ نظام از جمله مواردی است که عقل عملی بدون استعانت از شرع، به اهمیت آن پی برده است. در واقع حفظ نظام اجتماعی دارای حسن ذاتی و در مقابل، اختلال در آن و هرج و مرج، قبیح است. در کتب فقهی بسیاری نیز، یکی از دلایل تشریح برخی احکام، از جمله حدود (آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۵: ۳۰۱)، معاملات (موسوی خویی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵ / امین، بی‌تا، ج ۱: ۲۲۶ / روحانی، ۱۴۱۴: ۲۹)، مسئله تحکیم در نظام خانواده (امین، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۰) و اساساً یکی از مطلوبات شارع مقدس (حلی، ۱۴۰۵: ۲۸) حفظ نظام نوع انسانی از اختلال و هرج و مرج است.

اما باید دید کاربرد این قاعده در مورد موضوع مالکیت معنوی چگونه است. امروزه تولید آثار فکری اعم از آثار ادبی و هنری و صنعتی، رشد فراوان و چشمگیری نسبت به

سال‌های گذشته دارد. اما همزمان با پیشرفت علم و فناوری، امکان تکثیر آثاری که در قالب نرم‌افزار، کتاب یا اختراعی صنعتی و ... تولید می‌شود نیز افزایش یافته است. این مسئله مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. اگر مبتکران و پدیدآورندگان پس از خلق ابتکارات خویش، شاهد این باشند که دیگران با صرف هزینه و وقت کمتری، از منافع اقتصادی آثار فکری ایشان بهره مند شوند و تنها جامعه، حقوق اخلاقی (و شاید درصد کمی از حقوق مادی) را برای آنان منظور کند، رغبت و تلاش آنان نیز به تولید آثار فکری و کار کردن در جهت خدمت به کشور خود بسیار کم می‌شود و شاید ترجیح بدهند ابتکارات خود را در کشورهایی که حقوق مبتکران را به رسمیت می‌شناسند، تولید کنند و به ثبت برسانند. اگر این وضعیت برای نظام پدید آید، به تدریج رکود علم و هنر و صنعت در کشور رخ می‌دهد و نظم اجتماع به هم می‌ریزد.

استدلال مذکور، به رسمیت نشناختن حقوق مبتکران را موجب هرج و مرج و اختلال در نظام می‌داند که این نتیجه از نظر حکم عقل عملی و شارع قبیح است

ج) سیره عقلا

به منظور استدلال به سیره برای اثبات مشروعیت مالکیت معنوی می‌توان این طور استدلال کرد که از یک طرف سیره عقلایی مبنی بر احترام به اموال مردم وجود دارد که این سیره با توجه به احادیث وارده در مورد حرمت مال و عمل مسلمان، مورد امضای شارع مقدس قرار گرفته است. از طرف دیگر عقلای عالم، متعلق مالکیت معنوی را از جمله اموال می‌دانند و از این نظر، مورد احترامند.

برخی از فقها هم بر این نظریه تأکید کرده‌اند و حق طبع و تألیف و اختراع و امثال آن را حقی شرعی و قانونی می‌دانند؛ به این دلیل که موضوعات، همواره از عرف گرفته می‌شوند و احکام از شرع. به عنوان مثال وقتی بیان می‌شود که قمار حرام است، حکم تحریم قمار از قرآن و سنت گرفته شده است، اما اینکه قمار چیست؟ به عرف واگذار شده است و امروزه تقریباً همه عقلای عالم، مسئله مالکیت معنوی را یک حق شناخته و سلب

آن را نوعی ظلم تلقی می‌کنند یا اینکه حکم حرمت تصرف در ملک دیگری بدون رضایت وی، از شرع گرفته شده است اما اینکه موضوع مالکیت چیست و انواع آن کدام است را عرف تشخیص می‌دهد (نورالدین امامی، ۱۳۷۱: ۲۱۰-۲۱۱). بنابراین مانعی ندارد که با گذشت زمان، حقوق تازه عقلاییه‌ای پیدا شود و مشمول احکام کلی اسلام شود (علیان نژادی، ۱۳۷۹: ۴۹۹) مثل حق مالکیت بر امور معنوی.

بنابراین می‌توان گفت که عرف عقلا نیز از جمله ادله اثبات مشروعیت مالکیت معنوی است، به این صورت که حکم حرمت تجاوز به حق دیگران از شرع گرفته شده است و موضوع و مصادیق تجاوز به حق دیگران، از عرف، که عرف عقلا نیز مالکیت معنوی را نوعی حق می‌داند و تجاوز به آن طبق حکم شریعت، حرام است.

د) قاعده حرمت مال و عمل مسلمان و قاعده تسلیط

این قاعده هم مستند قرآنی دارد و هم مستند روایی.

اما مستند قرآنی: خداوند در آیه ۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض». در این آیه مبارکه، مراد از اکل مال، تصرف کردن و مسلط شدن بر مال می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۰۰).

نهی از اکل مال به باطل در این آیه، بیانگر اهمیت مال هر انسانی است، پس دیگری بدون اجازه مالک آن و بی آنکه حقی در آن مال داشته باشد، اجازه تصرف و تسلط بر آن را ندارد.

مستند روایی این قاعده نیز چنین است: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (طوسی، بی تا، ج ۳: ۵۹). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «لا یحل دم امرء مسلم ولا ماله الا بطیب نفس منه» (همو، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۷۷) در جای دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره بر این مسئله تأکید کرده می‌فرماید: «من قتل دون ماله فهو شهید» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۸: ۵۸۹).

با بررسی این آیه و روایات، اهمیت مال مسلمان و ضرورت حفظ آن در دین مبین اسلام روشن می‌شود. این اهمیت تا بدانجاست که حرمت مال را همچون حرمت خون انسان می‌داند و می‌داند که در اسلام برای خون انسان، اهمیت فوق العاده‌ای وجود دارد تا آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... من احيائها فكأنما أحييا الناس جميعاً...» (مائده/۳۲).

استنباط فقها از این مستندات، لزوم احترام به کار و سرمایه مسلمان و حرمت هرگونه دخل و تصرف بدون اجازه مالک و جبران خسارت در صورت تعدی و تجاوز به اموال دیگران است.

در قواعد فقهی، قاعده دیگری هم هست که ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با قاعده حرمت مال و عمل مسلمان دارد که «قاعده تسلیط» نامیده می‌شود. مبنای این قاعده، حدیث مشهور نبوی ﷺ است که می‌فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۷۲)

قاعده تسلیط دارای دو جنبه نفی و اثبات است. از یک طرف بیان می‌کند که مالک مال، اجازه دارد هرگونه دخل و تصرفی در اموال خود بکند (جنبه اثباتی) و از طرف دیگر، سایرین هم حق هیچ‌گونه تصرفی در مال غیر، بدون اذن وی ندارند (جنبه نفی) و به عبارت دیگر، دیگران از اعمال هرگونه تصرفی در مال شخص ممنوع هستند.

با بررسی این دو قاعده از یک سو، و مسلم بودن اطلاق مال بر موضوع حقوق معنوی از سوی دیگر (چراکه مال یعنی آنچه مورد رغبت و میل عقلاست و آنها حاضرند در ازای آن پول بپردازند و قطعاً مالکیت معنوی این‌گونه است) به این نتیجه می‌رسیم که متعلق مالکیت معنوی مشمول قاعده حرمت مال و عمل مسلمان و قاعده تسلیط می‌شود، پس هرگونه دخل و تصرفی اعم از فروش، ساخت، واگذاری، صادرات و واردات و ... در متعلق مالکیت معنوی، منوط به اجازه پدیدآورنده آن است، پس هرگونه غصب و تجاوز و تعدی به این امور، مصداق اکل مال به باطل است که در آیه ۲۹ سوره نساء از آن نهی شده است. بنابراین طبع و نشر آثار فکری بدون رضایت پدیدآورنده آن، ممنوع و حرام است و

از آنجا که آثار فکری علاوه بر جنبه مادی به حیثیت و آبروی آفریننده اثر هم وابسته است، نسبت دادن اندیشه به دیگری و نقل سخن از او بدون اذن قبلی، جایز نیست (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

نتیجه‌گیری

مقررات کیفری مبین و اعمال‌کننده ساده‌ترین و شدیدترین وسایل اجبار افراد به رعایت قواعد و مقررات در جامعه است که سبب شده‌اند مجریان حکومتی به ضمانت اجراهای کیفری متوسل شوند و برای اعمال مجرمانه و نقض حقوق شهروندان یا حقوق عمومی، مجازات تعیین کنند. در قانون‌های بسیاری از کشورها مجازات‌ها در قالب‌های جزای نقدی یا حبس یا هر دو توأمان، برای مجرمان و متخلفان تعیین شده است. این در حالی است که مجازات‌های مذکور با اقداماتی به منظور جبران خسارات وارده به شخص زیان دیده و بازگشت به وضعیت پیش از نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری تکمیل می‌شود.

در قانون‌های داخلی ایران (چه قبل و چه بعد از انقلاب) در مقابله و واکنش اجتماعی در قالب طرح و اعمال مجازات‌های متناسب با نقض کپی‌رایت، اصولاً از ابزار حبس و در برخی موارد علاوه بر آن از جزای نقدی به علاوه جبران خسارت استفاده شده است. پس حبس محور بودن موارد در این حیطه محسوس است. این درحالیست که استفاده از ابزار مجازات زندان در نقض حقوق صاحبان آثار فکری (ادبی و هنری) بدون توجه به میزان نقض، تا حدودی شدت عمل قانونگذار را نشان می‌دهد. در حالی که وضعیت نامناسب محیط زندان و انگیزه‌های مالی موجود در نقض کپی‌رایت، مبین این امر است که استفاده از نهاد کیفر حبس در این دسته جرایم، غیرضروری به نظر می‌رسد و باید میان جرایم در سطح کلان و تجاری و کپی‌رایت یا نقض آن در جهت استفاده‌های شخص یا محدود، تفکیک قایل شد و مجازات حبس را به دسته اول اختصاص داد.

از طرفی در یک نظام حقوقی، قانونی موفق خواهد بود که با اجزای دیگر نظام حقوقی، سازگاری و تناسب داشته باشد و گرنه به قانونی متروک یا غیر قابل اعتنا تبدیل می‌شود.

در مقایسه رویه قانونی یا قضایی به این نتیجه می‌رسیم که رویه قانونی توسل به استفاده از ابزار حبس برای جرایم کپی‌رایت ولو در موارد ناچیز، دور از خرد است و این در حالی است که رویه قضایی بیشتر متمایل به تبدیل آن به جزای نقدی است؛ گویی قضات محترم واقفند که مجازات حبس برای این دسته از جرایم به جزدرد مورد خاص به صلاح نیست، ولی آنچه که مسلم است لزوم حفظ این نحوه از مالکیت‌ها به وسیله قانون و مراجع قضایی است و وقتی به دلایل مختلف فقهی، مشروعیت این نوع مالکیت به اثبات رسید، لزوم حفظ حریم آن به وسیله مراجع ذی‌صلاح بیشتر ضرورت پیدا می‌کند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت

۱. این مواد در سال ۱۳۴۸ به موجب ماده ۳۲ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان نسخ شد.

۲. البته به استناد بند دو ماده سوم قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در جایی که حداقل مجازات کمتر از سه ماه و یک روز باشد، حبس قابل تغییر به جزای نقدی است. قاضی در این موارد باید به بیش از سه ماه حبس حکم دهد، در غیر این صورت موظف به تعیین جزای نقدی است. (مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ - روزنامه رسمی ۱۴۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۱/۲۹).

۳. این موارد عبارتند از:

۱. میزان مجازات استفاده از عنوان، نام و نشانه ویژه معرف اثر، برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند، به استناد ماده ۲۵ این قانون حبس از سه ماه تا یکسال می‌باشد؛ ۲. میزان مجازات عدم اعلام و درج نام پدیدآورنده با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر از سوی انتقال گیرنده، ناشر و کلیه کسانی که اجازه قانونی دارند، به استناد ماده ۲۵ این قانون حبس از سه ماه تا یکسال می‌باشد؛ ۳. میزان مجازات تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت و نشر آنها بدون اجازه پدیدآورنده به استناد ماده ۲۵ این قانون، حبس از سه ماه تا یکسال می‌باشد؛ ۴. میزان مجازات نشر، پخش، ضبط و تکثیر آثار مورد حمایت این قانون از سوی چاپخانه‌ها بنگاه‌های ضبط صوت، کارگاه‌ها و اشخاص بدون رعایت یا کوتاهی در اجرای به استناد ماده ۲۵ این قانون، حبس از سه ماه تا یکسال می‌باشد؛ ۵. میزان مجازات نشر، پخش و عرضه تمام یا قسمتی از آثار مورد حمایت این قانون که متعلق به دیگران است، به نام خود یا شخص دیگر غیر از پدیدآورنده و یا به نام پدیدآورنده، ولی بدون اجازه وی به استناد ماده ۱۳ این قانون، حبس از شش ماه تا یکسال می‌باشد. (۶) میزان مجازات چاپ، پخش و نشر ترجمه دیگری، به نام خود یا دیگری به استناد ماده ۲ این قانون حبس از سه ماه تا یکسال می‌باشد.

۴. ماده ۲۸: «در صورتی که متخلف از این قانون، شخص متوفی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از عمل وی می‌باشد، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، ما به التفاوت از اموال مرتکب جبران می‌شود...»
۵. ماده ۲۸: «... شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود.»
۶. الحاقی ۱۳۷۷/۷/۲۱ - ماده شش: «متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۶۹۸ ق ۱۰۲۰ خواهد بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد»
۷. مبحث چهارم این قانون اختصاص به نقض حفاظت از داده پیام در بستر مبادلات الکترونیکی دارد که به چهار فصل تقسیم شده است. قانونگذار در فصل اول آن به نقض حقوق مؤلف پرداخته است.



منابع

قرآن کریم.

۱. امامی، نورالدین (۱۳۷۱). حقوق فکری، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان.
۲. امین، سیدمحسن (بی تا). اعیان الشیعه، تحقیق و تخریج حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۳. آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۵). اصل الشیعه و اصولها، تحقیق علاء آل جعفر، بی جا، مؤسسه الامام علی (علیه السلام).
۴. آیت الله السیستانی (۱۴۱۴ ه.ق). تقریر بحث، قم، مکتب آیت الله العظمی سیستانی.
۵. جعفرزاده، میرقاسم (۱۳۸۵ ه.ق). مبانی فقهی مشروعیت حقوق فکری، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹، بهار.
۶. جوانمرد، بهروز (۱۳۸۶ ه.ق). سیاست کیفری جدید متغن در رابطه با فعالیت‌های غیر مجاز سمعی و بصری، تهران، انتشارات تعالی حقوق، شماره ۱۸.
۷. حرعاملی، محمدبن الحسن (بی تا). وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق شیخ محمد رازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۸. حسینی، علی (۱۴۱۴ ه.ق). قاعده لاضرر و لاضرار روحانی، محمدصادق، المسائل المستحدثه، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ چهارم.
۹. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶). مبانی مالکیت فکری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۰. حلی، جمال الدین الحسن بن یوسف المطهر (۱۳۸۴). الالفین، کویت، مکتبه الالفین.
۱۱. موسوی، سیدرضا (۱۳۸۴). حق تألیف در حقوق اسلامی، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۶۹، پاییز.
۱۲. روحانی، محمدصادق (۱۴۱۴ ه.ق). المسائل المستحدثه، قم، مؤسسه دارالکتاب.

۱۳. رهبر، نوید (۱۳۸۴). *تأثیر اینترنت بر حق مؤلف در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق کنونی ایران*، مجموعه مقاله‌های همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوری‌ها، تهران، انتشارات سلسبیل.
۱۴. شفا، عبدالله (۱۳۸۲). *حق التألیف از دیدگاه فقه تطبیقی*، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی) شماره ۳۷ و ۳۸، پاییز و زمستان.
۱۵. شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۰). *جرائم مطبوعاتی*، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۶. صالحی، جواد (۱۳۸۸). *سیاست کیفری در چالش با نقض کپی‌رایت*، انتشارات قضاوت، شماره ۵۶، ۱۳۸۸.
۱۷. طارم سری، مسعود (۱۳۸۲). *جایگاه ایران در نظام بین‌المللی حمایت از حقوق مالکیت فکری*، سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.
۱۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶). *تفسیرالمیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طوسی، محمد (بی‌تا). *المبسوط*، تصحیح و تعلیق محمدباقر بهبودی، بی‌جا، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه.
۲۰. علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). *استفتائات جدید*، قم، مدرسه امام علی (علیه السلام).
۲۱. غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۵). *نهایه الدرایه فی شرح الکفایه*، محقق شیخ رمضان قلی زاده مازندرانی، قم، انتشارات سیدالشهداء.
۲۲. *قانون تجارت الکترونیک*، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.
۲۳. *قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی*، مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶.
۲۴. *قانون جرائم رایانه‌ای*، مصوب ۱۳۸۸.
۲۵. *قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای*، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴.
۲۶. *قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان*، مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، روزنامه رسمی ۷۲۸۸، مورخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۱.

۲۷. قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴.
۲۸. قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ و اصلاحی مصوب ۱۳۷۹.
۲۹. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز، مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶.
۳۰. مظفر، محمدرضا (بی تا). اصول الفقه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ه.ق). القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۲. موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ ه.ق). القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی.
۳۳. نجفی خوانساری، موسی بن محمد (۱۴۰۳ ه.ق). منیه الطالب فی شرح المکاسب (تقریرات میرزا محمد حسین نائینی)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۵. هنرمند، مهدی (۱۳۸۸ ه.ق). حقوق ادبی و هنری، تهران، انتشارات مبنای خرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی